

حمل بر بیان شریعت در کشاکش افراط و تفریط

رفتار متکفلان استنباط در حمل نصوص بر بیان شریعت (اصالة التشریح و اصالة بیان الشریعة) در کشاکش افراط و تفریط قرار دارد. امروزه برخی از عهده‌داران استنباط در این باره افراط می‌کنند، تا جایی که گاه نصوص مبین تکوین را عهده‌دار بیان شریعت می‌پندارند! حتی دامنه شریعت و فقه را ناموجه توسعه می‌دهند؛ چنان که برخی در این باره تفریط می‌کنند.¹

ادامه گفتگو از لزوم توجه به جهت صدور

به این دو آیه توجه نمایید: * (و ان تصبهم حسنة یقولوا هذه من عند الله و ان تصبهم سيئة یقولوا هذه من عندك قل كل من عند الله) * (نساء: 78) * (ما اصابک من حسنة فمن الله و ما اصابک من سيئة فمن نفسک) * (نساء: 79) مفاد این دو آیه در نگاه اول ناهمسو می‌نماید، تا جایی که برخی از معاندان را در ایراد اشکال بر کتاب کریم امیدوار کرده است؛ در حالی که توجه به اختلاف جهت صدور می‌تواند توهم ناهمسویی را از بین ببرد. آیه اول ناظر به «من الله» بودن همه امور در نهایت است که اختیار انسان نیز جزئی از آن است؛ در حالی که ضلع دوم آیه دوم مبین «من الانسان» بودن ناخوشایندی‌هایی است که از روی تقصیر یا قصور یا تزاحم‌ها از وی صادر می‌شود. بنابراین توجه به رابطه طولی و قرار دادن مفاد این دو آیه در نظام طولی و هرمی (نه عرضی و حلقوی) تعارض موهوم را برطرف می‌نماید. البته راه حل‌های دیگری نیز راجع به ناسازگاری مفاد این دو آیه وجود دارد که مفسران به آن پرداخته‌اند. رجوع شود. شبیه این راه حل، در حل توهم تعارض بین آیات نافی شفاعت و مثبت آن است. حمل بر «بالاستقلال» و حمل بر «بالاذن» بودن یا آیات نافی حکم و تشریح از غیر خداوند و اثبات آن برای برخی از بندگان. و...

حمل بر سیاست تقنینی و اجرایی

این حمل - که به غایت در اجرای شریعت به کار می‌آید - کمتر مورد توجه واقع شده است. شاید بتوان تعارض بدوی روایات دال بر این که دیه مسلمان حر یکی از 5 یا 6 چیز است با ادله دال بر اخذ 1000 دینار و قرار آن از سوی امیرمؤمنان. علیه السلام. را به گونه فوق حل کرد.² امام علی - علیه السلام - در نامه‌ای که به کارگزاران خود نوشتند برای 251 مورد، دیه تعیین کردند و در همه جا صحبت از دینار کردند و لا غیر. اصولاً اجرای شریعت، گاه اقتضائاتی دارد که نوعی عدول از شکل خاصی از شریعت را می‌طلبد.

1. به کتاب «فقه و عرف» و «فقه و مصلحت» مراجعه شود.

2. ر.ک: وسائل الشیعة، ج 29، ص 201، ح 8 و ص 297، باب 8، ح 1.

حمل دلیل بر «حیثی بودن» بیان!

به رفتارهای فقیهانه ذیل توجه کنید: شیخ مفید - ره - قائل به وجوب دیه بر عاقله و حق رجوع برای عاقله بر جانی است! مرحوم علامه حلی می فرماید: «و لا بعد فيه بل فيه ايضا الجمع بين المعقول و المنقول؛ فان الاجماع لما دل على تضمين العاقلة و العقل لما دل على ان العقوبة انما تجب على الجانی جمع شیخنا المفید بذهنه الثاقب و فكره الصائب بين الدليلين و الزم العاقلة ضمان الدية لدلالة الاجماع عليه و جعل لها الرجوع على الجانی تعويلا على دلالة العقل»³ البته ما با مفاد فوق از جناب علامه موافق نیستیم و آن چه عقل می گوید: اصل «شخصی بودن مجازاتها» است نه «شخصی بودن مسئولیتها» و در مسئولیت عاقله حتی بنابر وضعی بودن و عدم لزوم جبران آن از سوی خاطی، آن چه لطمه می خورد شخصی بودن مسئولیت است - که مشکلی ندارد - نه شخصی بودن مجازات که مشکل دارد؛ لکن به هر حال، طرح ایشان و شیخ مفید می تواند راهگشا در حل تعارض عقل و نقل یا نقل و نقل باشد.

حمل بر اختلاف در اصطلاح یا محامل مختلف لغوی

به متن ذیل توجه کنید:

عن جميل بن دراج عن منصور بن حازم قال : ان المؤلى يجبر على ان يطلق تطلقه بائنة و عن غير منصور انه يطلق تطلقه يملك الرجعة فقال له بعض اصحابه: ان هذا منتقض فقال: لا، التي تشكو فتقول يجبرني و يضرنی و يمنعني من الزوج يجبر على ان يطلقها تطلقه بائنة و التي تسكت و لا تشكو ان شاء طلقها تطلقه يملك الرجعة ... قال الشيخ و يمكن حملها على من يرى الامام اجباره على طلاق بائن بان يبارئها ثم يطلقها و ان يكون مختصا بمن تكون عند الرجل على تطلقه واحدة فيكون طلاقها بائنا. اقول و يمكن كون لفظ البائن مستعملا بالمعنى اللغوي فان كل طلاق فهو بائن يوجب التحريم على الزوج ما لم يرجع و يحتمل الحمل على التخيير و على انه لو رجع لجبره الامام على طلاق آخر او على الكفارة و الوطء»⁴.

ما در کتابهای سه گانه «فقه و عقل»، «فقه و عرف» و «فقه و مصلحت» و در تحقیق روش شناسی اجتهاد مطالب وسیعی، در این باره بیان کرده ایم. چنان که بسیاری از این بیانها، در کلمات اعیان فقه، به طور پراکنده، نانهادینه و فاقد اصطلاح وجود دارد.⁵

3. مختلف الشیعة، ج 9، ص 290.

4. الوسائل، ج 15، ابواب الایلاء، باب 10، ص 544، حدیث 2، و ذیل آن.

5. بخشی را ما در دفتر 1001 نکته اصولی، صفحات مختلف، آورده ایم.